

فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی / دوره اول شماره ۲ تابستان ۱۳۹۱: ۱۳۹-۱۷۲

بررسی گرایش دختران دانشجو به حجاب و بدحجابی

نعمت‌الله کرم‌اللهی^۱، محمد آقاسی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۰)

چکیده

وضعیت پوشش زن ایرانی پس از دوره مشروطه یعنی همزمان با دوران برخورد فرهنگ ایرانی با فرهنگ غربی- دوران تجدد - دستخوش تغییر و در برخی موارد تحول شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و توجه به ارزش‌های اصیل اسلامی و ریشه‌های فرهنگ ایرانی، احیا و اشاعه فرهنگ حجاب و عفاف مجدداً در دستورکار سیاست‌گذاران فرهنگی کشور قرار گرفت. به رغم تلاش‌های گوناگون، همچنان نگرانی‌هایی در این خصوص مطرح است و جریان‌های مختلف پیشنهادهای گوناگونی را برای گسترش حجاب و مقابله با مظاهر بدحجابی ارائه می‌کنند. متولیان فرهنگی در مراکز آموزشی و دانشگاهی به گسترش فرهنگ حجاب همت گمارده‌اند و برنامه‌هایی نیز در این خصوص اجرا کرده‌اند. در مقاله حاضر با استفاده از روش گروه کانونی، موضوع گرایش دختران به انتخاب پوشش کامل و یا روی‌گردانی از آن، بررسی و تحلیل شده است. جمعیت و نمونه آماری این تحقیق را دختران دانشجو تشکیل می‌دهند. یافته‌های تحقیق نشان‌گر سطح پایین آگاهی دانشجویان و نیز ضعف استدلال عقلی و علمی آنان در انتخاب یا انکار حجاب است. به این معنا که بیشتر شرکت‌کنندگان در جلسات بحث، در تأیید حجاب یا مخالفت با آن با اتخاذ مواضع احساسی، نظر خود را در باب گرایش یا عدم گرایش خویش به حجاب بیان می‌کردند.

کلمات کلیدی: پوشش، حجاب، گروه کانونی، دختران دانشجو، مصاحبه مشارکتی

^۱ .استادیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، n.karamollahi@yahoo.com

^۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

مقدمه

زنان به عنوان نیمی از جامعه و عهده‌دار تربیت نیمه‌ای دیگر، از مهم‌ترین نیروهای اجتماعی تأثیرگذار در ساخت تاریخ و حدوث تحولات مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه به شمار می‌روند. در جامعه برخوردار از فرهنگ دینی، ضمن قائل شدن جایگاه ویژه برای زنان، انتظارات گوناگونی از آنان نیز مطرح است که از جمله آن می‌توان به مراعات پوشش در عرصه اجتماع اشاره کرد. البته داشتن پوشش نه امری تازه، بلکه امری دیرپا است که بشر در ادوار مختلف تاریخ و در جوامع گوناگون به آن التزام داشته است.

به گواهی تاریخ، در جامعه و فرهنگ ایرانی، زنان فارغ از نوع پوشش، همواره در محیط‌های عمومی بدن و سر خویش را می‌پوشیدند و مناقشه جدی بر سر پوشیدگی زن در ایران، امری متأخر و همزاد جریان‌های تجددطلبی در سده‌های اخیر است. پیرامون پوشش ابتدایی ایرانیان ویل دورانت می‌گوید که ایرانیان جز دو دست، بازگذاشتن سایر قسمت‌های بدن را خلاف ادب می‌شمردند، و به همین علت سر تا پای ایشان با سربند یا کلاه، یا پاپوش پوشیده بود (ویل دورانت، ۱۳۶۵ : ۴۱۳). ظاهراً این پوشش در میان زنان و مردان رایج بوده است. این همسانی و پوشیدگی لباس زنان و مردان را در سایر دوره‌های تاریخی نیز می‌توان دید. مثلاً در دوران افشاریه و زندیه، لباس زنان تقریباً شامل قطعات لباس مردان بود، پیراهن بلندی معمولاً بر روی دیگر لباس‌ها پوشیده می‌شد. زنان در زیر آن چاقچور بر تن داشتند؛ آن‌ها حتی از جلو صورتشان هم دستمال سفید می‌آویختند (حجازی، ۱۳۸۵ : ۲۲۴-۲۲۶).

در دوران قاجاریه لباس زنان ایرانی، تا پیش از مسافرت‌های ناصرالدین شاه به فرنگ، عبارت بود از پیراهنی کوتاه و ارخالقی از آن کوتاه‌تر که برای پوشاندن بالای تنه به کار می‌رفت و زیرجامه‌ای که تا پشت قدم‌ها را می‌پوشاند. در زمستان کلبه‌ای هم برای حفظ سرما بر آن اضافه می‌شد. سرپوش زن‌ها هم چارقدی بود که سر و موهای بافته بلند آن‌ها را می‌پوشاند. هنگام بیرون رفتن از خانه چنین می‌پوشیدند: چاقچوری که

زیرجامه در آن بگنجد بر پا و چادر سیاهی بر سر و روبندی از پارچه سفید، با قلابه جواهر که از پشت سر آنها می‌درخشید، به صورت می‌زدند. مسافرت شاه به فرنگ و دیدن لباس بالرین‌های پترزبورگ که شلوار بافته چسبان نازکی به پا می‌کردند و زیر جامه‌ی بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن پوشیده و روی انگشت پا با موزیک می‌رقصیدند، شاه هوسناک را بر آن داشت که زن‌های حرم خود را به این لباس درآورد، مد لباس خانم‌ها هم همیشه از اندرون شاه بیرون آمده ابتدا به شاهزاده خانم‌ها و زنان اعیان و بعد به سایرین سرایت می‌کرد (مستوفی، ۱۳۷۱: ۵۱۱).

براساس شواهد تاریخی، اولین نشانه‌های کشف حجاب از دربار ناصرالدین شاه قاجار آغاز شد. مسافرت‌های شاه به اروپا و مشاهدات وی از وضعیت پوشش زنان اروپائی در انتقال فرهنگ آن دیار به دربار و سپس به جامعه تأثیر به‌سزایی داشت. رفته رفته موضوع کشف حجاب در قالب تجددخواهی به محافل روشن‌فکری و اشعار شعرا نفوذ کرد و در مطبوعات منعکس شد. این روند تا جایی ادامه یافت که در دوران پهلوی اول به کشف حجاب منجر شد و پهلوی دوم به تعمیق و نهادینه‌سازی مبانی و اندیشه‌های آن پرداخت. بر اساس اسناد تاریخی، روند گسترش و نهادینه‌سازی بی‌حجابی در جامعه ایرانی یک طرح استعماری است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۸).

با پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور مطالبات اجتماعی برای اجرای احکام اسلام، موضوع حجاب به عنوان یک فریضه دینی در دستورکار کارگزاران فرهنگی جامعه قرار گرفت و از همان ابتدا مجموعه‌ای از اقدامات سلبی و ایجابی در زمینه ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب اجرا شد. به رغم گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب و دغدغه مسؤولان فرهنگی در این زمینه، همچنان موضوع حجاب و سازوکارهای مقابله با مظاهر بدحجابی، به عنوان یک آسیب و مسأله اجتماعی، مبتلابه محسوب می‌شود. این مسأله اجتماعی به نوبه خود ریشه در مسائل اجتماعی بنیادی‌تری دارد که اصلاح آن نیازمند اتخاذ سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی داهیان و واقع‌نگرانه است. زیرا حجاب به مثابه رسانه‌ای نمادین و کنشی اجتماعی، از یک سو تحت تاثیر ساختارهای فرهنگی،

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و از سوی دیگر، متاثر از کنشگران اجتماعی اعم از زن و مرد است. گرچه موضوع بدحجابی از سوی متولیان فرهنگی و رسانه‌های جمعی با عناوینی چون ازدگی در برابر فرهنگ بیگانه، گسترش فساد، تضعیف اعتقادات و تقیدات دینی در جامعه مطرح و از پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن با تعبیری مانند بروز ناامنی، اختلال در نظم روابط جنسی، افزایش آزار جنسی، عوارض جسمانی، آسیب‌های روانی، تزلزل بنیان خانواده و... یاد شده است؛ اما این سؤال مطرح می‌شود که چرا به‌رغم تأکیدات فوق، برخی با نادیده گرفتن حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی از مراعات حجاب در محیط‌های بیرونی استنکاف می‌ورزند؟

در این مقاله تلاش شده است تا نوع نگاه دختران دانشجو به موضوع حجاب و نقش عواملی چون خانواده، دوستان، رسانه و... در انتخاب نوع پوشش آنان بررسی شود. در فرآیند این تحقیق پاسخ سؤالات زیر پی گرفته شد:

- نوع نگاه دانشجویان دختر به موضوع حجاب چگونه است؟ آیا انتخاب نوع پوشش از سوی آنان مبتنی بر آگاهی است، یا مبنای عقلانی و مستدلی برای آن ندارند؟ برای دریافت پاسخ شرکت‌کنندگان به این سؤال، بحث را با این سؤال آغاز کردیم که: «آیا حجاب محدودیت است یا مصونیت؟»

- عوامل مؤثر بر انتخاب نوع پوشش از سوی دانشجویان دختر چیست؟ به منظور یافتن این عوامل از نوع روابط آنها با جنس مخالف و نیز عواملی مانند طبقه اجتماعی و نوع مصرف فرهنگی و رسانه‌ای پرسش کردیم.

- جایگاه و نقش خانواده در انتخاب پوشش مناسب و یا نامناسب از سوی شرکت‌کنندگان چیست؟

پیشینه تحقیق

یکی از جامع ترین تحقیقات پیرامون حجاب با عنوان «نگرش زنان به انواع پوشش‌های رایج» به کارفرمایی سازمان تبلیغات اسلامی (فرجی، ۱۳۸۴) انجام شده است. در این پژوهش مروری بر ادبیات نظری و تجربی کلیه کارهای پیرامون پوشش بانوان گردهم آمده است. این پژوهش‌ها ویژگی‌هایی دارند مانند:

۱- پژوهش‌های تاریخ محور: محقق معتقد است، تعداد پژوهش‌های غیرتاریخی انجام شده در این حوزه بسیار محدود و اندک است.

۲- پژوهش‌های پیمایش محور: در اندکی از کارهای انجام شده از روش‌های کمی و آماری استفاده شده است و از پرسش‌نامه بهره برده‌اند و همچنین روش‌های کیفی را به کار نگرفته‌اند.

۳- پژوهش‌های مردم‌محور: در این پژوهش‌ها به نگاه مرد توجه شده است و یا پیرامون حجاب بانوان از مردان سؤال شده است، حال آنکه پوشش لزوما امری زنانه نیست.

۴- پژوهش‌های شتاب‌محور: در این پژوهش‌ها نوعی شتاب برای رسیدن به مشکلات توجه به حجاب دیده می‌شود که نتیجه آن غفلت از عمق مطالب بوده است.

۵- پژوهش‌های دولت‌محور: اغلب نهادهای دولتی به پژوهش در این حوزه پرداخته‌اند.

این مقاله می‌کوشد تا در فضایی متفاوت از پیشینه، به تحقیق و پژوهش بپردازد. از این رو روش به‌کار رفته کیفی است و مخاطب به طور ویژه دختران دانشجو انتخاب شده‌اند. با توجه به دولتی نبودن پژوهش، مخاطبان در فضایی آزاد به اظهار نظر پرداخته‌اند. همچنین تلاش شده است، از تعجیل در رسیدن به نتایج جلوگیری به عمل آید.

چارچوب مفهومی

در تحقیقات توصیفی و کیفی، به جای استفاده از چارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی برای استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود. در چارچوب مفهومی، محقق مفاهیم مورد استفاده در دسته بندی و تحلیل داده‌ها را به گونه‌ای روشن تعریف و ابعاد و ویژگی‌های آنان و نیز ارتباط آنها با یکدیگر را توضیح می‌دهد (کرم‌الهی، ۱۳۹۰). در این تحقیق، مفاهیم اصلی که منبعث از مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات پیشین است، به این شرح تعریف می‌شوند:

۱- حجاب/ پوشش/ عفاف: حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیش‌تر به معنی پرده است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰). واژه حجاب از آن جهت معنای پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است، اما، هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۵). حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰). واژه عفاف نیز با مفهوم حجاب دارای قرابت معنایی است. حجاب و عفاف هر دو به معنی مانع و بازدارنده هستند، با این تفاوت که حجاب مانع و بازدارنده ظاهری است و عفاف مانع و بازدارنده باطن است (پسندیده، ۱۳۸۳: ۱).

۲- مصرف رسانه‌ای: یکی از پدیده‌های رایج جهان معاصر، حضور پررنگ رسانه‌ها در حیات اجتماعی و آثار سازنده یا مخرب آنها بر ساحت‌های گوناگون زندگی - از جمله سبک زندگی - انسان است. تلویزیون، سینما و ماهواره به عنوان رسانه‌هایی پرمخاطب و در دسترس، با داشتن نقش اساسی در ساخت یا تغییر

ذائقه و سلیقه فرهنگی مخاطبان، گرایش آنها را در زمینه مصرف فرهنگی و از جمله مد و سبک پوشش جهت می دهند. قابلیت دسترسی به رسانه های مجازی و شبکه های ماهواره ای در کنار جوانی جمعیت ایران، زمینه ساز تغییر دیدگاه جوانان از جمع گرایی به فرد گرایی و در نتیجه الگوگیری از فرهنگ غرب در ابعاد مختلف سبک زندگی به ویژه شیوه پوشش شده است.

۳- مصرف فرهنگی: به در این مقاله به هر گونه استفاده از کالاهای فرهنگی، مصرف فرهنگی اطلاق شده است.

۴- گروه دوستان یا همالان: پس از خانواده، از گروه همالان به عنوان دومین عامل جامعه پذیری نام برده می شود. معمولاً افراد متعلق به این گروه ها از موقعیت نسبتاً مساوی در گروه و روابطی صمیمانه و نزدیک برخوردار هستند. با افزایش نفوذ گروه همسالان، نفوذ والدین رو به کاهش می رود. اکثر نوجوانان ترجیح می دهند اوقات خود را با همسالان خود بگذرانند.

روش تحقیق

این تحقیق با روش کیفی گروه کانونی^۱ اجرا شده است. بیکر (۱۳۸۸) جذابیت تحقیق اجتماعی را در تلاش برای نیل به درکی روشن تر و عمیق تر از موضوعی می داند که قبلاً شناخت فراوانی نسبت به آن داشتیم، و این دقیقاً همان چیزی است که به نظر فیلک (۱۳۸۷) نیاز ما را برای پرداختن به روش های تحقیق کیفی بیش تر از قبل می کند. در روش گروه کانونی، اعضای گروه با تمرکز بر یک بحث جمعی، دیدگاه یا تجربه خود را درباب مساله مورد بررسی ارائه می کنند. گروه کانونی، شکل مشخصی از روش

^۱ . Focus Group

وسیع‌تر مصاحبه‌های گروهی برای بهره‌گیری از تعاملات گروهی به منظور تولید داده است (محمد پور، ۱۳۸۹):

روش گروه کانونی یک روش کیفی و مناسب برای بررسی ژرفایی جمعیت‌های محدود است. در این روش اطلاعات غنی و پرمایه‌ای درخصوص یک موضوع از یک جمعیت محدود گردآوری و با هدف دستیابی به کنه واقعیت تحلیل می‌شود.

در روش گروه کانونی، جلسات گفتگو و تبادل نظر مشترکی با حضور افراد واجد تخصص یا تجربه درباب یک موضوع و با محوریت یک میانجی^۱ تشکیل می‌شود. هدف تشکیل جلسات گروه کانونی، ارائه راه‌کارهایی برای مواجهه مناسب با یک مسئله و یا دستیابی به ایده‌هایی درباب آن است. در این قبیل جلسات با تعیین یک موضوع خاص به عنوان محور گفتگو، میانجی/مدیر جلسه تمام هم خود را مصروف ایجاد یک فضای تعاملی در میان حضار و استخراج برآیند دیدگاه آنها درخصوص موضوع مورد بحث می‌کند. در این جلسات بحث و تعامل، هرکدام از اعضا در یک فضای گفتگویی آرمانی، فارغ از فشارها و عوامل تحریف‌گر و محدودساز بیرونی، دیدگاه یا تجارب خود درباب موضوع را طرح می‌کند. دیدگاه‌های مطروحه، در یک فضای کاملاً آزاد از سوی دیگر حضار مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد، همان‌گونه که او نیز در بررسی انتقادی نظرات دیگران آزادی لازم را دارد. نتیجه این‌که بسیاری از ایده‌ها و عقایدی که فرد از بازگو کردن آن در حضور دیگران احتراز می‌ورزد، زمینه و فرصت ابراز در فضای تعاملی سازنده ایجاد شده از سوی میانجی/مدیر جلسه را می‌یابد. افزون بر این، فضای تعاملی گروه کانونی فرصت مناسبی را جهت بازخوردگیری و پالایش دیدگاه‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان در بحث قرار می‌دهد. به این معنا که افراد ضمن طرح آزادانه افکار خود واکنش دیگران نسبت به آنها را دریافته و امکان پالایش نظرات خود در پرتو دیدگاه دیگران را می‌یابند.

¹.moderator

بحث گروهی در ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا در جامعه ما یک عنصر فرهنگی قوی تضاد وجود دارد که گاه موجب می‌شود، افراد نه فقط از یکدیگر بدگویی و بر ضد یکدیگر کار کنند، بلکه آنها نتوانند با هم یک بحث سازنده انجام دهند که در پایان آن به توافق نظر و همدلی برسند (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۷۲).

البته روش گروه کانونی به رغم ظاهر ساده و روان، دارای پیچیدگی‌هایی است که از آن جمله می‌توان به مواردی چون: عدم مشارکت در بحث، تبدیل مباحثه گروهی به مجادله و مناظره‌های دو نفره، دور شدن از اصل موضوع، دلخوری‌ها و نگرانی‌ها، عدم ابراز اندیشه و نظر واقعی، احتیاط در سخن گفتن از سوی شرکت‌کنندگان و... اشاره کرد. در این میان، حساس بودن موضوع بحث می‌تواند بر پیچیدگی‌های رفتاری و گفتاری شرکت‌کنندگان در بحث بیافزاید. به رغم دشواری‌های فوق، در تحقیق حاضر برای فهم ژرف و واقع‌نگرانه علل و انگیزه‌های گرایش دانشجویان دختر به پوشش کامل و یا نداشتن پوشش مناسب، با بهره‌گیری از روش گروه کانونی و برگزاری جلسات بحث گروهی مورد بررسی قرار گرفت.

جمعیت آماری این تحقیق شامل دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران است که از میان آنها تعداد ۱۹ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و اطلاعات مورد نیاز تحقیق از آنها گردآوری شد. نمونه‌گیری هدفمند دارای انواعی است که در این پژوهش از «نمونه‌گیری مورد استثنایی یا کرانه‌ای»^۱ استفاده شده است.

در تحقیق حاضر، برای اجرای روش گروه کانونی، ابتدا جمعیت آماری تحقیق برحسب نوع پوشش گونه‌شناسی شد و سپس با برگزاری سه جلسه بحث به روش گروه کانونی با حضور نمایندگان از گونه‌های مختلف، تلاش شد تا دیدگاه‌ها و تجارب دانشجویان درخصوص موضوع حجاب گردآوری و تحلیل شود. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند، حضور محقق به عنوان میانجی / مدیر جلسات گروه کانونی

¹. extreme or deviant case sampling

توانسته است ضمن ایجاد فضای تعاملی سازنده و پیش‌گیری از قطبی شدن بحث، اطلاعات مفیدی درباب انواع دیدگاه‌ها و تجارب دانشجویان دختر درباب حجاب گردآوری نماید.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش ارائه می‌شوند. ابتدا در بخش یافته‌های توصیفی تصویری اجمالی از فضای جلسات گروه کانونی و ویژگی‌های زمینه‌ای اعضای این جلسات ارائه می‌شود. سپس در بخش بعد، مهم‌ترین نکات تحلیلی حاصل از یافته‌های توصیفی استخراج و بیان می‌گردد.

الف) یافته‌های توصیفی

پیش از ترسیم تصویری کلی از ویژگی‌های زمینه‌ای شرکت‌کنندگان در جلسات بحث، تذکر این نکته ضروری است که به دلیل ضرورت پنهان ماندن هویت مشارکت‌کنندگان در جلسات گروه کانونی، در این تحقیق برای هر کدام از مشارکت‌کنندگان یک کد خاص در نظر گرفته شد و در گزارش نظرات آنان از کد مزبور استفاده شده است. اعضای سه گروه کانونی، کاملاً غیرهمگن و از دانشجویان با پوشش‌های متنوع انتخاب شدند. به منظور اطمینان‌یابی از بداعت و تازگی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان و ندادن فرصت «جواب‌سازی» به آنان، پیش از برگزاری جلسات گروه کانونی، هیچ اطلاعاتی درخصوص موضوع بحث در اختیار دانشجویان قرار نگرفت.

متأسفانه یکی از مشکلاتی که همواره در فرایند اجرای روش گروه کانونی بروز می‌کند، عدم حضور افرادی است که قول شرکت در جلسات بحث را داده‌اند. از این رو تعداد نفرات حاضر در جلسات متفاوت است. نکته دیگر در این تحقیق، عدم تمایل دانشجویان شهرستانی به شرکت در جلسات بحث و برگزاری جلسات با حضور دانشجویان تهرانی است.

اطلاعات و ویژگی‌های زمینه‌ای شرکت‌کنندگان در جلسه گروه کانونی که از طریق پرسشنامه‌های جانبی تکمیل شده از سوی آنان استخراج شده، در جدول شماره یک منعکس شده است. بر طبق اطلاعات مندرج در جدول، از پنج نفر شرکت‌کننده در گروه کانونی اول، از حیث نوع پوشش سه نفر مانتویی و دو نفر چادری بودند. محل سکونت دو نفر در مناطق شمال شهر (لويزان و فرمانیه) و سه نفر نیز در مناطق مرکزی شهر قرار داشت. میانگین درآمد خانواده شرکت‌کنندگان ۸۰۰ هزار تومان و میانگین سن آنها نیز ۲۱ سال بود. دو نفر بیننده ماهواره و همگی کاربر اینترنت بودند. چهار نفر دارای سابقه دوستی با جنس مخالف بودند. از نظر سطح ارتباط، دو نفر دارای ارتباط کلامی - عاطفی و دو نفر نیز افزون بر تعاملات کلامی، ارتباط فیزیکی (دست دادن و بوسیدن) محدود نیز برقرار کرده‌اند.

دومین مصاحبه گروهی از جمع متنوع و پرشوری تشکیل شده بود و تعداد آنان نیز قابل توجه بود. در این گروه یک دانشجو ساکن شهر قزوین و مابقی ساکن تهران بودند. علی‌رغم استفاده همگی از اینترنت، تنها سه نفر از شرکت‌کنندگان در منزل ماهواره داشتند. در زمینه دوستی با جنس مخالف نیز نیمی از گروه اعلام کردند که چنین تجربه‌ای را داشته‌اند. کد شماره شش پس از جلسه و اظهار تمایل شخصی، اعلام نمود که دوستی او به روابط جنسی ختم شده است. اما سایرین اعلام داشته‌اند که دوستی آنها در حد روابط کلامی - عاطفی بوده است.

درآمد خانواده‌های گروه دوم از هفتصد هزار تومان تا سه میلیون تومان متفاوت بود، اما سنین آنها بین ۲۱ تا ۲۳ سال بود. همگی شرکت‌کنندگان در این گروه کانونی را دانشجویان مقطع کارشناسی تشکیل می‌دادند.

سومین مصاحبه گروهی با حضور نمایندگان تشکل‌های دانشجویی دانشگاه تهران و نیز کانون‌های فرهنگی به عنوان فعالان فرهنگی انجام شد. نمایندگان تشکل‌های بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی، نماینده سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی، نماینده مدرسه دانشجویی قرآن و عترت و کانون‌های فرهنگی رحل یار و کوثر در این جلسه حضور

داشتند. انگیزه انتخاب این گروه، شناسایی نوع نگرش و رفتار فعالان فرهنگی - اجتماعی دانشگاه در زمینه پوشش و حجاب و تفاوت یا شباهت نگرش و رفتار آنان با سایر دانشجویان بود. از این رو با برقراری تعامل با تشکلهای مزبور از آنان خواسته شد تا یک نفر فعال خانم را برای این نشست معرفی کنند.

مطابق اطلاعات کسب شده همه این دانشجویان چادری، ساکن در منازل مسکونی ملکی در مناطق متوسط شهری، کاربر اینترنت و فاقد سابقه دوستی با جنس مخالف بودند. دو نفر دانشجوی کارشناسی و مابقی نیز در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می-کردند که انتظار می‌رفت در این گروه تفاوت‌های تحصیلی، پوششی و سنی را شاهد باشیم. میانگین درآمد ماهانه خانواده آنها ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و میانگین سن آنان نیز نزدیک به ۲۴ سال بود. و سرانجام اینکه به جز یک نفر مابقی بیننده برنامه‌های ماهواره‌ای نبودند. این مصاحبه با این موضوع آغاز شد که آیا تشکل یا گروهی که عضو آن هستید موضع مکتوب و خاصی نسبت به حجاب دارد؟ و تقریباً همه پاسخ منفی می‌داند.

جدول شماره ۱: ویژگی افراد شرکت کننده

اعضای جلسات گروه کانونی								ویژگی های زمینه ای	A
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
-	-	-	مانتو	چادر	چادر	مانتو	مانتو	نوع پوشش	ویژگی شخصی
-	-	-	پیروزی	فرمانیه	خردمانند	پیروزی	لویزان	محل سکونت	
-	-	-	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	وضع مسکن	
-	-	-	۱/۰۰۰/۰۰۰	۸۰۰/۰۰۰	۷۰۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰	درآمد خانو اده	
-	-	-	بله	خیر	خیر	خیر	بله	ماهواره	
-	-	-	بله	بله	بله	بله	بله	اینترنت	
-	-	-	بله	بله	خیر	بله	بله	سابقه دوستی	
-	-	-	دست دادن	عاطفی - کلامی	-	همراه بوسه	عاطفی - کلامی	حد رابطه	

ادامه جدول شماره ۱

اعضای جلسات گروه کانونی								ویژگی های زمینه ای	a
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
مانتو	مانتو	مانتو	مانتو	چادر	مانتو	مانتو	چادر	نوع پوشش	گروه کانونی نوم
تهرانسر	شهرک آزادی	قزوین	رسالت	ونک	آزادی	پیروزی	بهارسه تان	محل سکونت	
شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	شخصی	اجاره ای	وضع مسکن	
۷۰۰/۰۰۰	۰/۵۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰	۷۰۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۰/۵۰۰/۰۰۰	۰/۰۰۰/۰۰۰	درآمد خانوادگی	
	۱			۱/۵۰۰		۲	۳	اداره	
بله	بله	خیر	خیر	خیر	بله	خیر	خیر	ماهواره	
بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	بله	اینترنت	
خیر	خیر	بله	خیر	خیر	بله	بله	بله	سابقه دوستی	
-	-	رابطه جنسی	-	-	عاطفی - کلامی	عاطفی - کلامی	عاطفی - کلامی	حد رابطه	

ب) یافته‌های تحلیلی

داشتن حجاب از ضروریات دین اسلام است. دین اسلام از سه بعد «اعتقادات»، «اخلاق» و «احکام» تشکیل شده است. در آموزه‌های دین اسلام سه جنبه «معرفتی»، «عاطفی» و «رفتاری» قابل تشخیص است. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴).

با توجه به گفتار فوق، می‌توان نتایج به دست آمده از جلسات گروه کانونی این تحقیق را طبقه‌بندی کرد. تحلیل یافته‌های تحقیق نشانگر ارتباط مباحث مطروحه از سوی اعضای گروه کانونی با ابعاد شناختی و رفتاری موضوع حجاب است. بنابراین در ادامه، یافته‌های تحقیق در قالب دو مبحث «ابعاد شناختی» و «ابعاد رفتاری» ارائه شده‌اند.

۱) ابعاد شناختی

یکی از مشکلات قابل مشاهده در گفتگوهای انجام شده، فقدان استدلال برای داشتن پوشش/حجاب است. با حل شدن فلسفه حجاب یا هر فعل برآمده از دین، می‌توان رفتار پایدار دینی را از افراد جامعه انتظار داشت. در غیر این صورت بدیهی است که شخص نوع دیگر رفتار را پذیرا خواهد بود. بدیهی است که پیامدهای شناخت دینی از دو راه ظهور می‌یابد. یا باعث انجام کاری و یا احتراز از انجام کاری می‌شود که در این تحقیق این دو را به ترتیب «جنبه شناختی مثبت» و «جنبه شناختی منفی» نامیده‌ایم. در جدول شماره دو، مقولات ناظر به ابعاد شناختی و رفتاری (مثبت و منفی) حجاب آمده است. به عنوان یک نمونه، در پاسخ به سوال حجاب مصونیت است یا محدودیت؟ به رغم ارائه پاسخ‌های گوناگون و بعضاً متناقض، تقریباً هیچ استدلال متقاعدکننده‌ای در باب پذیرش یا رد این عبارت از سوی شرکت‌کنندگان ارائه نشد. نظرات ارائه شده در پاسخ به این سوال در گروه کانونی نخست به این شرح بود.

کد شماره ۱ معتقد بود که:

«می‌تواند این مصونیت به وسیله حجاب، از نگاهها اتفاق بیفتد، ولی برای کسانی که

حجابهای خیلی بد دارند چنین نگاه‌هایی هم هست.»

او در ضمن اینکه خودش را محجبه نمی‌دانست، می‌گفت:

«حجاب من مطابق عرف جامعه است و حجاب من حجاب بدی نیست. البته حاضر نیستم که پوشش کامل خودم رو بردارم چرا که خودم رو مذهبی می‌دونم و دوست دارم که یک چیزی روی سرم باشه. دوست دارم.»

کد شماره ۲ ضمن نقد به دوست هم دانشگاهیش گفت:

«وقتی که بنا شد در جامعه همه پوشش خود رو بردارند دیگه ربطی به دین و این چیزها نداره که. من هم بر خواهم داشت پوششمو.»

همانگونه که مشاهده می‌شود، این سخنان حاکی از شناختی سطحی است که منجر به عدم رعایت پوشش می‌شود. چرا که مراعات حجاب را به عرف و رفتار دیگران محدود می‌سازد.

کد شماره ۳ که پوشش چادر به سر داشت را دارای شناخت مثبت می‌دانیم، چرا که به هیچ وجه حاضر به برداشتن حجابش نبود و در اواخر جلسه نیز هنگامی که بحث به این سمت پیش رفت که اگر روزی اکثریت جامعه پوشش خویش را بردارند با عصبانیت گفت که آن وقت ایران را ترک خواهم کرد. به نظر او پوشش نه تنها محدودیتی برای او نداشته، بلکه عامل مصونیت‌بخش او نیز بوده است. وی هم چنین با اذعان به انتخاب اعتقادی حجاب، به عدم توجه خود نسبت به خوش‌آمدن یا نیامدن دیگران در این خصوص اشاره کرد.

از کد شماره یک پرسیده شد شما که حجاب را مصونیت نمی‌دانید، آیا برای شما

مشکلی پیش نیامده؟ که در پاسخ گفت:

«چرا بعضی وقتها یه چیزایی توی خیابون می‌گن که از خجالت سرمو پایین می‌اندازم ولی خودم رو قانع می‌کنم که اون مشکل داره و نه من. ولی من دیدم که به چادری هم تیکه انداختند.»

کد شماره ۲ در پاسخ گفت:

«یه خانمی که مانتو و روسری پوشیده یا مانتوی کوتاه، بیشتر از یه خانم چادری تیکه می‌اندازند.»

کد شماره ۵ ادامه داد:

«من زمانی که چادری بودم مصونیت داشتم و الان هم به شرایط بستگی دارد که با چادر جایی برم یا نه. من اگر جایی برم که ببینم که همه مؤمنند حس می‌کنم نگاهها روم سنگینه. اگه جایی باشه که خجالت نکشم پوششمو بر می‌دارم. خیلی از کسانی هم که چادری هستند خواست دلشون نیست، بسته به شرایط این کارو کردند.»

کد شماره ۴ که تا الان سکوت کرده بود به نکته جالبی اشاره نمود و گفت:

«من شاید یه زمانی خیلی با اعتقاد و با فکر چادر سرم نمی‌کردم ولی بعد از رفتن به طرح ولایت با فکر و استدلال قبول کردم که چادر سرم باشه. قبلا ممکن بود که اگر اتفاقی بیفتد من تغییر کنم. همه چیو با دلیل پذیرفتم. قبلا هم اعتقاد داشتم ولی الان خیلی سفت و سخت هستم روی اعتقاداتم.»

وقتی پرسیده شد که اگر کس دیگری هم در این طرح شرکت کند آیا تغییر می‌کند یا نه؟ در پاسخ گفته شد که بستگی به زمینه‌های پیشین فرد دارد و کد شماره یک هم در اینجا گفت که یکی مثل من اصلا تغییر نمی‌کنم. شماره ۵ در اینجا ادامه داد:

«باور کنید اگر اجبار نباشه برای یک نفر اون اینقدر ذهنش باز میشه که دیگه لج و لعبازی نمیشه.»

در گروه کانونی دوم، ابتدا با این سوال بحث آغاز شد که به نظر شما وضعیت فرهنگی دانشگاه چگونه است؟ پس از مدتی بحث بر روی این موضوع، خانم شماره یک تقریباً بر خلاف همه اعضای جلسه، از فضای فرهنگی معاونت فرهنگی دانشگاه و از شیوه برخورد مناسب آنها در امر حجاب و نیز دعوت از همه برای فعالیت در امور فرهنگی دانشگاه تعریف کرد.

از همین جا بود که جرقه بحث‌های بعدی شکل گرفت و شماره دو پرسید که فقط از شما چون چادری هستید دعوت کردند؟ خانم شماره یک که توقع چنین سوالی را نداشت، اظهار بی‌اطلاعی کرد. در اینجا شماره هشت ضمن نامناسب دانستن وضعیت فرهنگی دانشگاه گفت:

«نوع پوشش در دانشکده ما خیلی مهم است. بچه‌ها آنطور که می‌خواهند نمی‌توانند بیوشن چرا که هم کلاسی‌ها چیزهایی می‌گن و بهشون حرف می‌زنن.»
این حرف مؤید این نکته است که در صورت وجود شناخت و آگاهی نسبت به حجاب و روشنی فلسفه آن برای افراد، قضاوت دیگران، عرف جامعه و فشار اجتماعی نمی‌تواند فرد را به کنار گذاشتن آن وادار سازد.
کد شماره دو در ادامه گفت:

«در جلسه‌هایی که گذاشتند برای تغییر نگرش بچه‌ها صرف چیزهایی میشه که زور بیشتر کنند و فشار و بیشتر کنند. مثلا در دانشگاه ما یک پدیده‌ای هست که بهشون می‌گیم خانم حجاب و اونها موظف هستند که به دانشجویها تذکر بدهند که چه نوع پوششی برای اونها مناسبتره. در یک جلسه‌ای رئیس دانشکده گفت که برای بالاتر بردن حجاب در دانشکده ما تلاش کردیم تعداد این افراد رو بیشتر کنیم که این به نظرم اصلا درست نیست.»

شماره چهار که در دبیرستان شهید مطهری به عنوان یکی از مدارس مذهبی تحصیل کرده بود، در ادامه گفت:

«با توجه به جنبه‌های مختلف و مخصوصا پوشش کلا در محیط دانشگاه احساس راحتی نمی‌کردم. نه تنها من بلکه همه دوستانم هم اینطور بودیم. با اینکه رشته‌های متفاوتی بودیم ولی بهترین گروههای دوستی برای همون دبیرستان بود. من دوست صمیمی هم اگر در دانشگاه دارم برای این بود که عقب نمونم. من ترم اول با کسی دوست نبودم و ساعت یه امتحان بلد نبودم و افتادم. دوست صمیمی الان دارم توی دانشگاه ولی برای اینه که عقب نمونم. فرق داره با دوستیهای دیگه‌ام.»

در اینجا برای فهم نگاه شرکت کنندگان مجدداً سوال مصاحبه قبلی مطرح شد که به نظر شما آیا حجاب مصونیت است یا محدودیت؟
شماره چهار معتقد بود که:

«این جمله همیشه کاملتر هم بشه که حجاب هم محدودیت است و هم مصونیت ولی به نظر من مصونیتش بیشتر از محدودیت هست.»

شماره دو ضمن ارزیابی خود به عنوان فرد محجبه، اظهار داشت که نویسنده‌ها طوری می‌نویسند که حجاب محدودیت نیست ولی هست و در مصونیت آن هم شکی نمی‌دید و در ادامه گفت:

«یک سری چیزها به خانواده‌ها و پدر و مادرها بر می‌گردد. در همه جوامع و فرهنگ‌های اصیل هم نوعی پوشش بوده و لباس انسان بودن آدم رو می‌رسونه.»

دقت در گفته‌های فوق نشانگر آن است که دانشجویان شرکت‌کننده در جلسات گروه کانونی شناخت منطقی و ژرفی از حجاب و مصونیت یا محدودیت بودن آن ندارند. اهمیت این نکته از آن روست که از این افراد به عنوان قشر دانشجو انتظار می‌رود با داشتن شناخت بیشتر از کنش‌های فردی و اجتماعی خود، توانایی استدلال در دفاع از آنها را واجد باشند.

«حجاب در واقع یه چیز اضافه است. نه زاید ها. فک کنید که توی تابستون شما کت و کاپشن توی تابستون بپوشید.»

شماره شش ادامه داد:

«همین نوع حجاب تیپیکال ما هم محدودیتیه. همین مانتو که کلیشه هم شده. به نظرم همیشه نوعی حجاب داشت و اینطوری هم نبود. به نظر من تقریباً مصونیتیه. حجاب در حدی که یه حریم خصوصی برای خودش داشته باشه کافیه. ولی همیشه نوع دیگه داشته باشه. رنگای متنوع و طرحهای دیگه.»

شماره دو که با این شرکت‌کننده هم‌کلاسی بود در ادامه گفت که کت و شلوار و کت و دامن از این قبیل است و بعد هم به ذکر نکته‌ای در برخورد بد دانشگاه با آنان پرداخت.

خانم شماره پنج معتقد بود:

«محدودیت هست چرا که برای برخی ممکن است باشد و برای عده ای دیگر هم نه. محدودیت هست به نظر من. ولی جایی ممکن است به نفع من باشد و جایی هم نه. مثلاً خاطر من هست به جایی رفتم برای تدریس که استخدام بشم. چون اونجا چادر داشتم به من گفتند که میشه توی همونجا باشم ولی بقیه به خاطر نوع پوشش باید میرفتن توی خونه‌ها تدریس می کردن. اینجا به نفع من بود ولی من اینو درست نمی دونم.»

شماره دو ضمن تایید گفت:

«آدم محدود تر بشه سختتر.»

شماره سه در اینجا با تاکید معتقد بود که همه چیز به سمت خانم‌ها برگشته و این در حالی است که باید آقایان هم به این نکته توجه کنند. در همین جا بود که شماره دو دوباره از برخوردهای بد با پوشش‌های نامناسب در دانشگاه یاد کرد. شماره سه هم با استناد به دوستش خانم شماره نه در خرید مانتوهای مناسب گفت:

«در رابطه با همین مصونیت من مانتوی خیلی کوتاه هم نپوشیدم تا بالای زانو حتی یکی دو شماره از سایز بزرگتر می گیرم. یکی دو سال پیش چادر می پوشیدم ولی تا دلتون بخواد به من تیکه می انداختن. خودم کلی خجالت کشیدم و چادر و کنار گذاشتم.»

شماره یک که در سکوت بود در اینجا گفت:

«من در دوره مدرسه تیکه می شنیدم ولی الان نه و مشکلی هم در دانشگاه در نوع ارتباط ندارم. محدودیت هم به این بستگی داره که نوع نگاهت چی باشه. محدودیت برام ایجاد شد بعد از داشتن چادر ولی مشکلی نداشتم.»

شماره چهار گفت:

«به نظرم داشتن یا نداشتن چادر مساله تیکه انداختن نیست. من هیچ تیکه ای نشنیدم با توجه به منطقه خونمون. نمی تونه کسی همه منشه‌های عفاف و رعایت بکنه و اذیت بشه. من خودم خیلی دیدم که کسی عقیقانه برخورد کرده و اتفاقی نیفتاده.»

خود فرد خیلی مهمه ولی جامعه هم فضاش اهمیت داره. شاید در دوره راهنمایی دبیرستان خیلی نمی فهمیدم ولی الان فرق کرده موقعیتیم و بیشتر می فهمم.» شماره شش در ادامه حرف دوستش اینگونه اشاره کرد و هرچند میان حرفش خیلها حرف زدند گفت که:

«من خودم اعتراف می کنم که بسته به نوع لباس نوع نگاه آقایون خیلی تغییر می کنه. حتی من از آقایون شنیدم این مطلب و که نوع لباس در نوع نگاه خیلی تغییر میکنه. حرفم اینه که حجاب واقعا مصونیته. خودت راحتتر هستی. هرچه قدر خودتو بیشتر در معرض دید میداری بیشتر اذیت میشی.» شماره سه در اینجا به هیجان آمد و گفت:

«الان همه ما داریم روی حجاب لباس بحث می کنیم. ولی من خودم توی دانشگاه خیلی دیدم که شاید کسی حجاب درستی داره ولی رفتار درستی نداره و بیشتر هم با پسرا ارتباط داره. حجاب رفتار به نظرم یه جاهایی مهمتر از این حجابیه. پوشش گفتار و رفتار و کردار هم باید داشته باشه.»

تقریبا همه شرکت کنندگان هم این مطلب را تایید کردند و شماره هفت گفت:

«همه اینها درست است و به نظر من بادی لنگویچ (زبان بدن) خیلی مهم هست.»

گروه کانونی سوم را فعالان فرهنگی - اجتماعی یکی از بهترین دانشگاه های کشور تشکیل می دادند. انتظار می رفت نسبت به فلسفه حجاب و پوشش و نیز مصونیت دانستن یا ندانستن آن از طرف نمایندگان تشکل های فرهنگی حرفهای بیشتری بشنویم. اما این امر آنچنان که باید و شاید اتفاق نیفتاد.

در مجموع، یافته های مربوط به جنبه های مثبت و منفی بعد شناختی حجاب در جدول شماره دو آمده است.

جدول شماره ۲: یافته های تحلیلی؛ جنبه های مثبت و منفی بعد شناختی

<p>۱- مصونیت بودن حجاب و یا اذعان به بیشتر بودن مصونیت</p> <p>۲- ضرورت داشتن منش عقیفانه از سوی خانمها اعم از چادری و مانتویی</p> <p>۳- عدم پایبندی استدلالی و اعتقادی به حجاب</p> <p>۴- برقراری ارتباط میان مذهبی بودن و پوشش داشتن</p> <p>۵- تأثیر دوره طرح ولایت در آگاهی بخشی نسبت به انتخاب اعتقادی چادر</p> <p>۶- پرهیز از اجبار و ضرورت دادن شناخت برای انتخاب آگاهانه و آزادانه</p> <p>۷- عدم همدلی با زنان و عدم فهم همدلانه مشکلات آنان</p> <p>۸- ضرورت حضور اجتماعی زنان برای تحقق برخی از اهداف جامعه</p> <p>۹- ضرورت نگاه مبنایی تر به مقوله زن و ماهیت و هدف خلقت انسان</p> <p>۱۰ توجه به تفاوت های زن و مرد</p> <p>۱۱ عدم نگاه ابزاری به زن</p> <p>۱۲ حضور اجتماعی زن به عنوان یکی از فلسفه های حجاب</p>	<p>۱-۲</p>	<p>۱-۲</p>
---	------------	------------

ادامه جدول شماره ۲

<p>۱- درست ندانستن نگاه صوری و ابزاری به حجاب</p> <p>۲- محدودیت بودن حجاب یا در مواقع خاص مثل ورزش</p> <p>۳- حجاب اضافی است نه زاید، مثل لباس بیشتر در تابستان</p> <p>۴- توجیه وضعیت پوشش خود با مشابهت سازی آن با پوشش عرفی جامعه</p> <p>۵- مراعات حجاب به خاطر عرف</p> <p>۶- عدم اعتقاد به چادر به عنوان نماد پوشش اسلامی؛ چادر پوشش عهد قجر است</p> <p>۷- تلقی از چادر به عنوان نماد انسان مؤمن. و عدم انتخاب چادر به دلیل عدم توانایی در انطباق کامل خود با رفتارهای مورد انتظار از یک مؤمن</p> <p>۸- تلقی بدحجابی به عنوان نماد طبقه اجتماعی خاص (مرفه و تحصیلکرده)</p> <p>۹- نداشتن تعریف صحیح از حجاب</p>	<p>بج</p>	<p>۲-۲-۱۳۹۱</p>
--	-----------	-----------------

۲) ابعاد رفتاری

همانطور که گفته شد علاوه بر ابعاد شناختی، شیوه رفتار دانشجویان در خصوص حجاب هم قابل بحث و بررسی است. حتی در برخی موارد می‌توان تناقض میان شناخت و رفتار را مشاهده کرد. آنچه بیشتر در این بخش دیده شد، تاثیر محیط اجتماعی و خانوادگی بر نوع پوشش است. به این معنا که بسیاری از رفتارهای بدحجابانه متأثر از محیط زندگی و زیست‌جهان فرد است. به نکته‌ای که یکی از شرکت‌کنندگان در گروه کانونی دوم گفته توجه شود:

«من مادرم چادری هستند و بارها شده که با هم کنار یک بوتیک بریم و اون در مغازه رو ببندد و بگه که ما جنس نداریم یا اندازه ایشون نداریم و براش یه کمبود بود که به ما جنس بفروشه. اینا برای من اهمیت نداره ها. حالا شما شناس آوردی دیگه. من یه مهد کودک کار می‌کردم. محجبه ترین آدمی که می‌اومد اونجا کت و شلوار می‌پوشید و روسری لبنانی و ادکولون تکمیل. بچه‌ها اذیتش می‌کردن بچه رو که مادرت کچله و زشته. چادر و چاقچور پوشش عهد قجره به نظر من. هیچ لزومی نداره من مثل قجریا لباس بپوشم.»

و درست در نقطه مقابل خانم شماره هفت ادامه داد:

«من همیشه همین پوشش و داشتم و با همین رانندگی کردم و همه جا رفتم و هیچ مشکلی هم نداشتم و ندارم. توی جامعه هم به راحتی هم هستم.»

در یک جمع‌بندی کلی، اعضای شرکت‌کننده در گروه‌های کانونی بر این عقیده بودند که در میان عوامل مختلف، رفتار دانشگاهیان بیشترین تاثیر منفی را بر کنارگذاشتن پوشش مطلوب اسلامی در سطح جامعه داشته است. برای پرهیز از اطاله کلام، در ادامه مهم‌ترین یافته‌های مربوط به بعد رفتاری حجاب در جدول شماره چهار آورده شده است. در این جدول عوامل مؤثر بر عدم اقبال زنان و دختران به حجاب در جامعه از نگاه اعضای شرکت‌کننده در جلسات گروه کانونی ارائه شده است.

جدول شماره ۳: یافته های تحلیلی؛ عوامل مؤثر بر گرایش یا عدم گرایش به حجاب

<p>تأثیر نوع لباس بر نوع نگاه آقایان به زن</p> <p>۱- اذیت بیشتر زنان هنگام در معرض دید بودن</p> <p>۲- آمادگی پرداخت هر گونه هزینه برای پابندی به حجاب</p> <p>۳- عدم توجه به خواست دیگران در پابندی یا عدم پابندی به حجاب</p> <p>۴- محدودیت داشتن حجاب تیپیکال</p> <p>۵- امکان داشتن حجاب با رنگها و طرحهایی متفاوت از آنچه هست</p>	<p>مبتنی بر شناخت</p>	<p>عامل مؤثر درونی</p>	<p>رفتاری ۱-۳</p>
<p>۱- محجبه ندانستن خود</p> <p>۲- انتخاب چادر به عنوان پوششی برای سرپوش گذاشتن بر بسیاری از کجرویها</p> <p>۳- عدم هرزگی مانتو پوشها و عدم سلامت اخلاقی و رفتاری چادریها</p>	<p>بدون شناخت</p>		

ادامه جدول شماره ۳

<p>۱- سیاسی دانستن حجاب ۲- نگاه صوری و قانونی به مراعات حجاب ۳- منجر شدن اجبار قانونی به لیج بازی و تنفر از چادر</p>	<p>حکومت</p>		
<p>۱- تأثیر خانواده و والدین در نحوه پوشش ۲- کنار گذاشتن چادر به خاطر تیکه انداختن دیگران ۳- کم کاری خانواده ها در امر حجاب و عدم آگاهی بخشی لازم از سوی آنها ۴- لزوم آغاز کار از مدرسه و از خانواده نه از دانشگاه</p>	<p>خانواده و اطرافیان</p>		
<p>۱- تأثیر رسانه ملی در عدم نهادینه سازی چادر ۲- انتخاب پوشش چادر در فیلمها برای افراد مجرم یا فاقد جذابیت ۳- نقش منفی تبلیغات رسانه ای در باب حجاب</p>	<p>رسانه ها</p>		
<p>۱- اشاره به استفاده ابزاری از چادر ۲- برخورد نامناسب اجتماعی مغازه داران با مادر چادری ۳- نقش آقایان در حدشکنی خانمها و گرایش آنان به بدحجابی</p>	<p>عرف و جامعه</p>	<p>عامل موثر بیرونی</p>	<p>رفتاری ۲-۳</p>
<p>۱- برخورد نامناسب در دانشگاه با موضوع حجاب ۲- عدم روشننگری لازم و استفاده از اجبار و فشار برای معجب سازی دانشجویان به مراعات حجاب ۳- عدم آگاهی مسئولان دانشگاه از موضوع حجاب و سازوکار نهادینه سازی آن ۴- عدم انتخاب چادر برای احراز توجه دیگران در دانشگاه ۵- تأثیر محیط دانشگاه بر نحوه پوشش ۶- محتوای درسی دانشگاهها</p>	<p>دانشگاه</p>		

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله موضوع گرایش و عدم گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران با روش گروه کانونی مورد بررسی قرار گرفت. از مجموع یافته‌های تحقیق، مشاهدات میدانی، مصاحبه‌های عمقی و پرسشنامه‌های جانبی نتایج زیر به دست آمده است:

۱) اولین و مهم‌ترین نکته فقدان معرفت و شناخت لازم در خصوص گرایش یا عدم گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر است. متأسفانه دختران چادری و غیرچادری، فاقد دلایل محکم، روشن و مستدلی برای انتخاب خویش هستند. هنگام سؤال از چرایی نوع پوشش مورد علاقه، تنها به شنیده‌هایی بسنده می‌کنند که در بسیاری از موارد قابل استناد نیست. مثلاً خانمی در علت برداشتن چادرش گفت:

«این پوشش برای دوره قاجاریه است و پیش از آن هم استفاده نمی‌شده است. حتی معلوم نیست که حضرت فاطمه [سلام الله علیها] هم چنین پوششی داشته‌اند.»

خانم دیگری هم در علت داشتن پوشش تبعیت محض از بزرگان دین را مطرح می‌نمود و وقتی از او پرسیده شد که چطور و کجا از این پوشش استفاده می‌شد، پاسخی برای سوال نداشت.

ممکن است که در میان فعالان حقوق زنان - اعم از فمینیست‌ها یا زنان مسلمان متعلق به گفتمان انقلاب اسلامی - دلایلی را در نفی پوشش و یا اثبات آن شنید، اما در لایه‌های پایین تر این امر چندان مشهود نیست. حتی در میان تشکل‌های دانشجویی که در بین دانشجویان به فعالان فرهنگی - اجتماعی مشهورند و به نوعی محل رجوع دانشجویان هستند، نیز استدلال‌ات روشن و محکمی برای داشتن یا نداشتن پوشش مطرح نبود و با کوچک‌ترین شبهه نسبت به اعتقادات خویش عقب‌نشینی و یا در بهترین حالت از سپر سکوت استفاده می‌کردند.

به نظر می‌رسد در عوض تربیت افرادی با ذهن تحلیلی تنها موفق به تربیت افرادی با ذهن تقلیدی شده‌ایم. این قبیل افراد بیش و پیش از آنکه دارای گرایش و رفتاری درون-خیز باشند، واجد گرایش‌هایی برون‌خیز و متأثر از محیط واقعی و مجازی پیرامونی خود هستند. به بیان دیگر، نظام تعلیم و تربیت جامعه نتوانسته به شیوه افناعی دختران را نسبت به چرایی نوع پوشش خود توجیه نماید.

۲) یافته‌های تحقیق بیانگر وجود نوعی الگوی تقابل در خصوص حجاب در بین دختران دانشجو است. این الگو تقابل «حجاب رسمی» و «حجاب هنجاری» است. یعنی کسانی که از روی اجبار قانون به حجاب تن داده‌اند و کسانی که آن را به عنوان یک ارزش درونی شده می‌پندارند.

۳) یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌های مشارکتی و عمقی تکمیلی، نشانگر تأثیر عامل «ارتباط با نامحرم و داشتن دوستی با جنس مخالف» بر گرایش به بدحجابی و یا نداشتن پوشش و یا سستی در پوشش مناسب در بین اعضای گروه کانونی است. هر چه این ارتباط گستره و عمق بیشتری داشته باشد، تأثیر بیش‌تری بر پوشش فرد خواهد داشت. در دو مورد که به صورت خاص بررسی شد، هر دو مورد به رغم برخورداری از خاستگاه خانوادگی مذهبی و چادری بودن در مراحل اولیه، پس از برقراری ارتباط با جنس مخالف به تدریج در نوع پوشش خود بازنگری کرده بودند. در مورد اول که سطح رابطه تا مرحله دست دادن با دوست جنس مخالف پیش رفته بود، به اذعان خود دیگر بسته به محیط پوشش را انتخاب می‌کند و تنها در محیط مذهبی از چادر استفاده می‌کند، او در برابر این سوال که آیا حاضر است پوشش را به طور کامل بردارد و در خیابان تردد نماید، مقاومت جدی نشان می‌داد.

مورد دیگر که تا حد بیشتری با جنس مخالف ارتباط برقرار نموده بود، دیگر برایش مهم نبود که پوشش چگونه باشد و حتی حاضر بود به طور کامل پوشش را بر دارد. اما در عین حال دوست داشت که به فضای قبلیش باز گردد، اما آن را امکان‌پذیر نمی‌دانست.

وی در پاسخ به این که اولین اشتباه و یا اولین جایی که باعث شد به این سمت (نداشتن پوشش مناسب) پیش بروی چه بوده؟ حضور در خانه یک پسر را به عنوان نخستین اشتباه خود مطرح نمود. یافته‌ها نشان می‌دهد، در خانواده‌های مذهبی، دختران دانشجو ابتدا همان سبک حجاب خانواده را برگزیده‌اند، اما با گرایش به جنس مخالف، در یک فرایند تدریجی از میزان پای‌بندی خویش به حجاب کاسته و یا نوع آن را تغییر داده‌اند. در واقع به موازات افزایش میزان و نوع ارتباط نامشروع آنها، میزان و نوع پوشش آنها نیز تغییر کرده است. اساساً هر نوع ارتباط صمیمانه و نزدیک با نامحرم - اعم از ارتباط حضور و غیرحضور (اینترنتی) - بر نوع پوشش دختران تأثیرگذار است. علاوه بر آن استماع موسیقی و تماشای ماهواره و فیلم‌های دارای صحنه‌های خلاف اخلاق نیز بر این روند موثر است.

در علت گرایش به جنس مخالف، مهم‌ترین عامل از نظر دختران دانشجو، احتیاج به محبت و پس از آن کنجکاوای است. التزام به پوشش مناسب نیز یکی از موانع جدی ارتباط بی‌محابا و یا تداوم آن با جنس مخالف ارزیابی شده است.

(۱) اذعان دانشجویان دختر به تمایل به عدم پوشش کامل در محیط بیرونی در سنین نوجوانی و مراحل ابتدایی بلوغ از دیگر یافته‌های این تحقیق است. میزان توجه و شیوه برخورد خانواده، مدرسه و جامعه در این اختلال موقت با آنان، در نوع پوشش آینده آنان تأثیر بنیادی دارد. بسیاری از خانم‌های چادری اذعان می‌کردند که در ابتدای نوجوانی از سوی خانواده برای انتخاب چادر تحت اجبار و فشار قرار نگرفته‌اند و آنان با اراده و اختیار خود این پوشش را انتخاب کرده‌اند. اهتمام جدی خانواده‌ها و مسئولان نهادهای فرهنگی و تربیتی مرتبط با نوجوانان و جوانان نسبت به حساسیت‌های دوران بلوغ و برخورد محبت‌آمیز، غیرحذفی و غیرتحمیلی آنان در این دوران با دختران، نقش بسزایی در هدایت آنان در راستای انتخاب پوشش مناسب دارد.

۲) سیاسی شدن موضوع حجاب از دید دانشجویان از عوامل مؤثر بر کاهش گرایش به پوشش مناسب است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از نگاه دختران دانشجو تنها در صورت تغییر نظام سیاسی موجود، امکان کشف حجاب وجود دارد. این مسأله بیانگر برقراری نوعی تقارن میان حفظ نظام سیاسی و موضوعات دینی از جمله حجاب، در ذهن افراد مورد مطالعه است. بدیهی است که امکان تغییر شرایط فرهنگی وجود دارد، اما تغییر شرایط فرهنگی نباید در ذهن اعضای جامعه به معنای تقویت یا تضعیف و یا حذف نظام سیاسی تلقی شود. در صورت بروز این پدیده بسیاری از امور روزمره زندگی اجتماعی، با برخورداری از صبغه سیاسی، از جوهره واقعی خود تهی می‌شوند.

۳) ناتوانی دستگاه‌های فرهنگی در طراحی و ترویج سبک زندگی دینی و اسلامی در سطح جامعه به‌ویژه در بین دختران از انتقادات مطرح شده از سوی شرکت‌کنندگان در جلسات گروه کانونی بود.

۴) نگاه به چادر یک نگاه ویژه و مقدس است. این نگاه در بین دختران غیرچادری نیز رایج است به گونه‌ای که در توجیه عمل خود دلایلی چون «مؤمن نیستیم» و یا «نمی‌توانیم همه جا سر کنیم» را عنوان می‌کنند. این مطلب هم یک فرصت است و هم یک تهدید. فرصت از آن جهت که نظام فرهنگی جامعه در باورپذیر ساختن چادر به عنوان یک پوشش مومنانه برای جوانان موفق بوده است، به بیان دیگر چادر در بین دختران دانشجو به عنوان نماد دینداری تلقی می‌شود. اما عدم همخوانی رفتار و منش افراد چادری با انتظارات اجتماعی از افراد متدین، می‌تواند به عنوان یک تهدید، زمینه‌ساز بدبینی نسبت به آموزه‌های دینی را فراهم آورد. توجه به این امر به ویژه از سوی بانوان چادری شاغل در نهادهای حکومتی بسیار مهم است. زیرا هر گونه برخورد خشک، خشن و دافعه‌دار آنان تاثیر جدی منفی بر ذهن چنین افرادی دارد. در ضمن با در نظر گرفتن قواعد فقهی و مصالح جامعه ایمانی داشتن انواع دیگر پوشش کامل نیز باید طراحی و ترویج شود.

- ۵) برقراری فضای گفتگو و اظهار نظر سازنده و دوستانه در بین اقشار و تیپ‌های گوناگون نقش مهمی در ایجاد همدلی و تفاهم و پرهیز از اقدامات سلبی متقابل در زمینه‌های مختلف و از جمله در خصوص حجاب دارد.
- ۶) یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، دختران دانشجوی از ظاهرگرایی‌های بیهوده و نیز مقدس‌مابی در سطح جامعه که باعث نفاق و دورویی می‌شود آزرده بودند و اعتقاد داشتند این رفتارها بر گرایش دختران به سمت بی‌حجابی تأثیر اساسی دارد.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۲)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمدی نوده، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا؛ مرادی، آزاده و سیداسماعیلی، فتح‌اله (۱۳۸۹)، «رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب‌پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی»، *مجله علوم رفتاری*، شماره ۹۷: ۴-۱۰۲.
- بیکر، ترزال (۱۳۸۸)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۳)، *پژوهشی در فرهنگ حیا*، ری: انتشارات دارالحدیث.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۵)، *تاریخ هیچکس* (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر افشاریه و زندیه)، تهران: انتشارات قصبه‌سرا.
- دورانت، ویل آریل (۱۳۶۵)، *تاریخ تمدن*، ترجمه امیرحسین آریانپور و همکاران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲)، *شیوه‌های تغییر رفتار*، ترجمه علی فتحی آشتیانی و هادی عظیمی آشتیانی، تهران: انتشارات سمت.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *مجله جامعه شناسی ایران*، شماره ۹: ۳۴-۶۶.
- فرجی، مهدی (۱۳۸۴)، *پژوهش نگرش زنان به انواع پوشش‌های رایج*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کرم‌الهی، نعمت‌الله (۱۳۹۰)، *جزوه درس روش تحقیق کیفی*، کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.

- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۸)، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران: وزارت اطلاعات.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زوار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، مساله حجاب، تهران: انتشارات صدرا.
- مهدی زاده، حسین (۱۳۸۷)، حجاب‌شناسی؛ چالش‌ها و کاوش‌های جدید، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.